

# سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام در سفر و گردشگری با تأکید بر شروع سفر

ناصر باقری بیدهندی<sup>۱</sup>

سید احمد شجاعی<sup>۲</sup>

## چکیده

گردشگری مسئله‌ای مهم و حیاتی در جهان است و در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع، اثرگذار است. امروزه گردشگری به یک شبکه جهانی تبدیل شده است و سردمداران جهان توسط گردشگری، جهان را آن گونه که خود می‌خواهند، اداره می‌کنند. به همین جهت چارچوب‌ها و قوانین گردشگری نیاز به بومی‌سازی دارد، همان گونه که در تمام ابعاد زندگی از معصومان علیهم‌السلام باید پیروی کرد، کوشیده‌ایم در اثر حاضر، از سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام در گردشگری تا جایی که منابع یاری می‌کرده است، پرده برداریم، روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده که و با تحلیل آن بخشی از فرمان‌های معصومان علیهم‌السلام را در مورد ابتدای گردشگری استخراج نموده که نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر محققان و دانشمندان در این زمینه است.

## واژگان کلیدی

معصومان علیهم‌السلام، گردشگری، سفر، صنعت گردشگری.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه. تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۲/۳۰.

## مقدمه

در این مقاله به صورت کاربردی و دقیق به بیان سیره‌ی معصومان (علیهم السلام) در ابتدای گردشگری - که در منابع به جای گردشگری کلمه‌ی سفر به کار برده شده است - می‌پردازیم. سعی کردیم از منابع دست اول هر آنچه در مورد گردشگری از معصومان (علیهم السلام) به دست ما رسیده است را در قالب سیره‌ی معصومان (علیهم السلام) در ابتدای گردشگری در چند تیتیر بیان کنیم. ممکن است در برخی از موارد، چندین مطلب در منابع باشد و در بعضی دیگر، فقط یک مطلب وجود داشته باشد اما چون منابع ما، منابع دست اول و تأیید شده است و جزء منابع اصلی شیعیان مثل کتب اربعه و یا منابعی که حتی کتب اربعه از آنها استفاده نموده‌اند، می‌باشد، حتی یک مطلب و یک گزارش می‌تواند سیره‌ی معصومان (علیهم السلام) را برساند.

## گردشگری

## معنای لغوی گردشگری

گردشگری معادل کلمه‌ی لاتین «tourism» است که از کلمه‌ی فرانسوی «tour» گرفته شده است. «tour» به معنای چرخش، طی کردن و سیر کردن می‌باشد.<sup>۱</sup>

برخی گفته‌اند «tourism» ریشه‌ی لاتین دارد و از اصطلاح «tornus» یونانی به معنای گردش کردن و گشتن گرفته شده است.<sup>۲</sup> به فردی که گردشگری می‌کند، گردشگر (tourist) می‌گویند.

## معنای اصطلاحی گردشگری

سازمانی جهانی گردشگری (WTO) گردشگری را به صورت زیر تعریف می‌کند:

گردشگری، فعالیت‌های افراد گردشگر است که در سفر خارج از محل

۱. رحیم حیدری، مبانی برنامه‌ریزی صنعت گردشگری، ص ۹.

۲. سیدمحسن قائمی خرق، مبانی فقهی حقوقی گردشگری، ص ۱۴.

سکونت خود برای تفریح، کار و دلایل دیگر انجام می دهند و حداکثر برای یک سال متوالی در آنجا اقامت می کنند.<sup>۱</sup>

## سیره

### معنای لغوی سیره

«سیره» کلمه‌ی عربی و اسم مصدر «سیر» است. سیر یعنی رفتار، حرکت<sup>۲</sup>، گذشت و عبور کردن<sup>۳</sup>، مذهب، راه و روش<sup>۴</sup>. «سیره» بر وزن فعله می باشد که این وزن در زبان عربی، معنای نوع، روش و کیفیت را دارد. مثلاً جلسه بر وزن فعله به معنای نوع و شیوه‌ی نشستن است. سیره یعنی نوع و سبک رفتار و حرکت<sup>۵</sup> که معمولاً با یک پیوند می آید؛ مثلاً سیره‌ی نبوی صلی الله علیه و آله یا سیره‌ی معصومان علیهم السلام شهید مطهری در سیره‌ی نبوی می گوید: سیره‌ی پیغمبر یعنی سبک و متدی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در عمل و در روش، برای مقاصد خود به کار می برد.<sup>۶</sup>

### معنای اصطلاحی سیره

در معنای اصطلاحی سیره، دو مفهوم در نظر گرفته شده است که به آن اشاره می کنیم:

الف. به کتبی گفته می شود که وقایع و حوادث مربوط به صدر اسلام و زندگی پیامبر و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را به صورت گزارش وار بیان می کند.<sup>۷</sup>

ب. سبک و شیوه، قاعده و رفتار، مفهوم تازه از سیره می باشد که برخی از دانشمندان مانند شهید مطهری آن را ارائه کرده اند و می گویند: سیره‌ی

۱. محمد حسین باپلی یزدی، گردشگری ماهیت و مفاهیم، ص ۱۳.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۹.

۳. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمدهارون، ج ۳، ص ۱۲۰.

۴. راغب اصفهانی، معجم المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۳۲.

۵. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۱۱۷.

۶. مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی نبوی، ص ۵۲.

۷. صادق آیینه‌وند، تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۹.

معصومان علیهم السلام تنها گزارش و نقل تاریخی نیست؛ بلکه پیدا کردن قوانین، اصول و سبک زندگی معصومان علیهم السلام است که می‌تواند برای تمام مراحل زندگی همه‌ی افراد مورد استفاده باشد.<sup>۱</sup>

منظور ما از سیره در این تحقیق معنای دومی می‌باشد زیرا هدف تحقیق الگو گیری از معصومان علیهم السلام در گردشگری است.

### سیره معصومان قبل از سفر و گردشگری

#### وصیت

یکی از مستحبات گردشگری این است که گردشگر قبل از آغاز گردشگری وصیت کند. همیشه بیرون آمدن از خانه همراه خطر بوده و هست. در گذشته که وسایل حمل و نقل و امکانات کافی وجود نداشت، بسیاری از خطرات مثل راه-های طولانی، سارقان مسلح، کمبود مواد غذایی و امثال این‌ها سبب می‌شد که مسافرت همراه با مرگ باشد و حتی امکان بازگرداندن جسدشان هم در بسیاری از مواقع امکان‌پذیر نبود. در عصر حاضر نیز با وجود تمام امکانات گردشگران با خطرات فراوانی روبه‌رو هستند. نه در آسمان و نه در زمین و دریا امنیت لازم و صددرصدی ندارند. گاهی به علت نقص فنی در هواپیما خبر از سقوط آن را می‌شنویم، گاهی به علت تصادف اتومبیل خبر جان باختن سرنشینان را می‌شنویم و گاهی به علت تصادف عابر پیاده با وسیله‌ی نقلیه از جان باختن عده‌ای باخبر می‌شویم. هیچ‌کس از بازگشت قطعی خود مطمئن نیست، از این‌رو نوشتن وصیت در حالت عادی به‌ویژه قبل از گردشگری امری عقلی و مطلوب است.

#### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومان علیهم السلام درباره‌ی وصیت

هر کس که قصد سفر دارد، باید ابتدا وصیت کند.  
کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.  
وصیت کردن وظیفه‌ی هر مسلمانی است.

۱. مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی نبوی، ص ۵۰.

## مستندات

النَّبِيُّ ﷺ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يُوصَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.»

النَّبِيُّ ﷺ (صلى الله عليه و آله) قال: الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ فرمودند: «وصیت کردن وظیفه‌ی هر مسلمانی است.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ رَكَبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ.<sup>۳</sup> امام صادق (ع) فرمودند: «کسی که به مرکبی سوار می‌شود لازم است وصیت کند.»

رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. وَ قَالَ: مَا يَنْبَغِي لِمُرِيٍّ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ.<sup>۴</sup> پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.» و همچنین فرمودند: «بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شب سر بر بالین بگذراد مگر آن‌که وصیت او زیر سرش باشد.»

## انتخاب هم‌سفر

هم‌سفری و رفیق در مسافرت بسیار اهمیت دارد. اکثر مردم تجربه سفر و مسافرت را دارند و می‌دانند که مسائل زیادی در طول مسافرت رخ می‌دهد که ممکن است با خلق و خو و اعتقادات ما سازگار نباشد. اگر انسان به‌تنهایی در سفر باشد، نمی‌تواند با آن مسائل مقابله کند.

در حدیثی آمده که در مسافرت‌ها بهترین تعداد هم‌سفر، چهار نفر است. هرچند ممکن است همیشه برای انسان امکان نداشته باشد با چند نفر هم‌فکر و هم‌طراز هم‌سفر شود؛ اما باید سعی کند تا حد امکان، به‌تنهایی مسافرت نکند. اگر تنها باشد، شرایط فرق می‌کند. چنانچه در این مورد هم دستورات معصومان (ع) را

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. همان.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۸، ص ۲۴۶.

۴. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۳۳۵.

را داریم؛ مثل اذکار و دعاهاى مربوطه که در ادامه به آن اشاره شده است.

### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی هم‌سفر

۱. انتخاب هم‌سفر آن‌قدر مهم است که پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: ابتدا رفیق و هم‌سفر را انتخاب کن، سپس عازم سفر شو.
۲. تنها به سفر رفتن بسیار مذمت شده است تا جایی که اگر کسی آگاهانه و از روی عمد تنهایی به سفر برود، مستلزم تأدیب و شتمات هست.
۳. حداقل باید انسان برای خود یک هم‌سفر برگزیند و اگر می‌تواند سه هم‌سفر برگزیند و بهتر است که تعداد هم‌سفران بیش‌تر از هفت نفر نباشد.
۴. کسی را باید برای هم‌سفری انتخاب کنیم که از نظر مالی، هم‌طراز ما باشد و از نظر خلق‌و‌خو و فضیلت، بر ما برتری داشته باشد. حتی اگر از اخلاق کسی باخبر نیستیم، قبل از سفر، تذکر بدهیم که بد اخلاق با ما هم‌سفر نشود.
۵. اگر کسی به هر دلیلی نتوانست برای خودش هم‌سفری پیدا کند، باید در سفر از ذکر و یاد خداوند مدد بگیرد.

### مستندات

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹: الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ<sup>۱</sup> رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: ابتدا رفیق را انتخاب کن سپس راه را.
۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ سَافَرَ وَحْدَهُ وَ مَنَعَ رَفْدَهُ وَ ضَرَبَ عَبْدَهُ<sup>۲</sup> امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: دوست دارید بدترین مردم را برای شما معرفی کنم؟ گفتند: بله یا رسول خدا. پیامبر فرمودند: کسی که تنها به سفر برود و از نفقه لازم و بخشش خودداری کند و غلام خود را کتک بزند.
۳. وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) يَا

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.

عَلَىٰ لَا تَخْرُجُ فِي سَفَرِكَ وَحَدَّكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَمَنِ الْاِثْنَيْنِ اُبْعَدُ.<sup>۱</sup>  
پیامبر (ص) به علی (ع) فرمودند: یا علی به تنهایی به سفر نرو، زیرا شیطان با یک نفر همراه یک نفر است و از دو نفر دور.<sup>۲</sup>

۴. عَنْ الْكَاظمِ (عليه السلام) قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ الْآكَلِ زَادَهُ وَحَدَّهُ وَالنَّائِمَ فِي بَيْتٍ وَحَدَّهُ وَالرَّاكِبَ فِي الْفَلَاةِ وَحَدَّهُ.<sup>۳</sup> امام کاظم (ع) فرمودند: پیامبر (ص) سه کس را لعن کرده اند، کسی که به تنهایی غذا بخورد (احتمالاً منظور کسی است که در سفر و همراه دیگران است اما به تنهایی غذا می خورد تا دیگران در غذایش سهیم نشوند.) و کسی که در خانه تنها بخوابد و کسی که به تنهایی در بیابان راه بپیماید و سفر کند.

۵. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ (عليه السلام) بِمَكَّةَ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمَدِينَةِ فَقَالَ (عليه السلام) لَهُ مَنْ صَحَبَكَ فَقَالَ مَا صَحَبْتُ أَحَدًا فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ (عليه السلام) أَمَا لَوْ كُنْتُ تَقَدَّمْتُ إِلَيْكَ لَأَحْسَنْتُ أَدَبَكَ ثُمَّ قَالَ وَاحِدُ شَيْطَانٍ وَاثْنَانِ شَيْطَانَانِ وَثَلَاثَةُ صَحْبٍ وَأَرْبَعَةُ رُفَقَاءٍ.<sup>۴</sup> اسماعیل بن جابر نقل می کند که همراه امام صادق (ع) در مکه بودم، مردی از مدینه آمد، امام (ع) فرمودند: هم سفر تو کیست؟ مرد در جواب امام (ع) گفت: هیچ کس هم سفر من نیست. امام (ع) فرمودند: اگر قبلاً به تو تذکر داده بودم (تعلیم داده بودم که تنهایی سفر نکنی) الآن خوب ادب می - کردم. سپس فرمودند: تنهایی شیطان است، دوتایی دو شیطان است و سه تایی هم سفر است و چهار نفر رفیق.

۶. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَنْ خَرَجَ وَحَدَّهُ فِي سَفَرٍ فَلْيَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْسُ وَحَشْتِي وَأَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي وَأَدِّ غَيْبَتِي.<sup>۵</sup>

۷. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ (عليه السلام) يَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَيَاسِيرَ

۱. همان.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۰.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۷.

۵. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.

وَ هُوَ أَقْلُهُمْ شَيْئًا فَيُخْرِجُونَ النَّفَقَةَ وَ لَا يَقْدَرُ هُوَ أَنْ يُخْرِجَ مِثْلَ مَا أُخْرِجُوا قَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ يُذَلَّ نَفْسُهُ لِيُخْرِجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ.<sup>۱</sup> ابی بصیر یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: به امام علیه السلام عرض کردم، جایز است انسان با افرادی هم سفر شود که پول دار هستند و انسان نمی تواند مثل آن ها خرج کند؟ حضرت فرمودند: دوست ندارم شخص خود را ذلیل کند بلکه با کسانی که مثل خودش است بیرون رود.

۸. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرِكَ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ عَلَيْكَ.<sup>۲</sup> علی علیه السلام فرمودند: با کسی که برایت فضیلت قائل نیست به مقداری که تو برای او فضیلت قائل هستی، هم سفر نشو.

۹. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: اصْحَبْ مَنْ تَتَزَيَّنُ بِهِ وَ لَا تَصْحَبْ مَنْ يَتَزَيَّنُ بِكَ.<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام فرمودند: با کسی که زینت و افتخار تو باشد سفر کن و با کسی که زینت و افتخارش هستی، سفر نکن.

۱۰. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): إِذَا صَحَبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَكَ وَ لَا تَصْحَبَنَّ مَنْ يَكْفِيكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ.<sup>۴</sup> امام باقر علیه السلام می فرمایند: با کسی هم سفر شود که مثل تو باشد و با کسی که خرج تو را بدهد هم سفر نشو که این کار برای مؤمن ذلت اوست.

۱۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَحَبُّ الصَّحَابَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَةٌ وَ مَا زَادَ قَوْمٌ عَلَى سَبْعَةٍ إِلَّا كَثُرَ لَعْنُهُمْ.<sup>۵</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نزد خداوند بهترین تعداد هم سفران چهار نفر هستند و اگر افراد از هفت نفر بیش تر شوند، هرج و مرج پیش می آید بینشان.

۱۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: فِي سَفَرٍ خَرَجَ حَاجًّا مَنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ وَ الْجَوَارِ فَلَا يَصْحَبُنَا.<sup>۶</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری که می خواستند به حج بروند فرمودند: کسی که بداخلاق است با ما هم سفر نشود.

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۸۶.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۷.

۴. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۱.

۵. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۹.

۶. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

## صدقه در ابتدای گردشگری

هر چیزی را که انسان به قصد قربت (نزدیک شدن به خدا) از مالش خارج کند، صدقه گویند و اغلب صدقه را برای صدقه‌ی مستحب و زکات را برای صدقه‌ی واجب به کار می‌برند.<sup>۱</sup> صدقه دادن یک آموزه دینی است که بین تمام مسلمانان از صدر اسلام تا به حال رواج دارد و به دو نوع واجب و مستحب تقسیم می‌شود. صدقه‌ی واجب خمس، زکات و فطریه می‌باشد که در این موارد، شخص صدقه دهنده مقداری از اموال خود را با شرایط خاص به افراد خاص می‌پردازد. صدقه‌ی مستحب، شرایط خاصی ندارد و شخص صدقه دهنده هر مقدار از اموال خود را که بخواهد در جهت رضایت خداوند به نیازمندان و فقرا می‌بخشد.

طبق آیات و روایات شرایط دیگری هم برای صدقه بیان نموده‌اند مثل این که باید صدقه از اموال پاک و حلال باشد تا حد امکان مخفی باشد، همراه با منت و آزار نباشد، از اموالی که دوست داریم، انفاق و صدقه بدهیم و هرگز، خود را مالک حقیقی تصور نکنیم.

آنچه که بحث صدقه را با موضوع این اثر مرتبط می‌کند این است که در هر زمانی انسان می‌تواند صدقه بدهد اما برخی از زمان‌ها مثل ابتدای مسافرت و گردشگری بنا به دلایلی صدقه دادن تأکید شده است.

### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام درباره‌ی صدقه دادن در ابتدای گردشگری

۱. اگر مردد هستید و نمی‌دانید بهتر است در کدام روز به گردشگری بپردازید، صدقه بدهید و هر روزی که خواستید به سفر بروید.
۲. گردشگری در برخی از روزها مکروه برشمرده شده است که برای رفع کراهت می‌توانید صدقه بدهید و به گردشگری بروید.
۳. برای این که به سلامت به سفر بروید، حتماً صدقه بدهید و سلامتی خود را از خداوند با صدقه طلب کنید.
۴. به هر مقدار که دوست دارید و دلتان راضی است صدقه بدهید.

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۸۰.

## مستندات

- ۱- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ. <sup>۱</sup> از امام صادق علیه السلام: صدقه بده و هر روز که خواهی سفر کن.
- ۲- عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَيْكْرَهُ السَّفَرُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَكْرُوهَةِ مِثْلَ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ وَ غَيْرِهِ فَقَالَ افْتَتَحْ سَفَرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَ اخْرُجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ وَ اقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ احْتَجِمْ إِذَا بَدَأَ لَكَ. <sup>۲</sup> از حماد بن عثمان: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم: آیا سفر در روزهای مکروه مثل چهارشنبه کراهت دارد؟ فرمود: هر وقت پیش آمد و خواستی صدقه بده و به سفر برو و آیه الکرسی بخوان و حجامت کن هر وقت خواستی.
- ۳- مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ أَوْ فِي يَوْمٍ يَكْرَهُهُ النَّاسُ مِنْ مُحَاقٍ أَوْ غَيْرِهِ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ خَرَجَ. <sup>۳</sup> از عبدالله بن سلیمان از امام علی علیه السلام: چون پدرم در چهارشنبه یا روزهای دیگری که مردم مکروه می دانند، مثل روز محاق (آخر ماه) صدقه می داد و به سفر می رفت.
- ۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ إِذَا أَصْبَحَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ. <sup>۴</sup> از امام صادق علیه السلام: هر که صبح صدقه دهد خداوند نحس آن روز را از او بگرداند.
- ۵- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ اشْتَرَى السَّلَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا تَيْسَّرَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ وَ إِذَا سَلَّمَ اللَّهُ وَ انْصَرَفَ حَمْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَكَرَهُ وَ تَصَدَّقَ بِمَا تَيْسَّرَ لَهُ.
- وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ سَفَرًا فَاشْتَرِ سَلَامَتَكَ مِنْ رَبِّكَ بِمَا طَابَتْ بِهِ نَفْسُكَ ثُمَّ تَخْرُجْ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ سَفَرًا كَذًا وَ كَذًا وَ إِنِّي قَدْ اشْتَرَيْتُ سَلَامَتِي

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

فِي سَفَرِي هَذَا بِهَذَا وَ تَضَعُهُ حَيْثُ يَصْلُحُ وَ تَفْعَلُ مِثْلَ ذَلِكَ إِذَا وَصَلْتَ شُكْرًا<sup>۱</sup> از امام پنجم (علیه‌السلام): حضرت زین‌العابدین چون می‌خواست بیکی از قراء یا املاک خود برود سلامت خود را با صدقه‌ای که مقدورش بود می‌خرید، در موقعی که پا در رکاب می‌نهاد، صدقه می‌داد و چون به سلامت بر می‌گشت خدا را شکر می‌کرد و به مقدار مقدور صدقه می‌داد.

و از آن حضرت (علیه‌السلام): چون قصد سفر داری سلامت خود را به مقدار صدقه‌ای که دلت راضی است از خداوند بخر و بعد به سفر برو و بگو: «خداوندا من اراده فلان سفر دارم و سلامت را در این سفر به فلان صدقه و یا فلان چیز از تو می‌خرم»، بعد هر جور صلاح بدانی صدقه بده و اگر سالم برگشتی نیز برای شکر صدقه بده.

#### وداع و بدرقه

در گذشته بدرقه به معنای راهنما و راه‌بلد و محافظ کاروان به کار می‌رفته است اما امروزه به معنای همراهی و مشایعت مسافران و گردشگران تا مسافت اندکی جهت احترام و تعظیم به کار می‌رود. این امر، یعنی مشایعت مسافر، از آداب پسندیده‌ای است که در دین مبین اسلام نیز رواج داشته و دارد. در سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) نیز آمده است که در ادامه به چند نمونه اشاره خواهیم نمود.

#### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) درباره‌ی بدرقه

۱. برای احترام مسافر او را بدرقه کنید.
۲. هنگام وداع برای شخص مسافر دعای خیر و طلب آمرزش کنید.
۳. اگر فرد مسافر قصد سفر تجاری دارد، هنگام وداع دعا کنید خداوند به او سود فراوان نصیب کند.
۴. هنگام وداع با مسافر، با طلب خیر از خداوند برایش، او را به یاد خداوند بیندازید.

۱. همان.

## مستندات

۱- شَيْعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ جَعْفَرَ الطَّيَّارَ لَمَّا وَجَّهَهُ إِلَى الْحَبَشَةِ وَ زَوَّدَهُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ اللَّهُمَّ الْطُفُّ بِهِ فِي تَيْسِيرِ كُلِّ عَسِيرٍ فَإِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ يَسِيرٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَسْأَلُكَ لَهُ الْيُسْرَ وَ الْمَعَاوَةَ الدَّائِمَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ وَدَّعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَجُلًا فَقَالَ زَوَّدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى وَ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَ لَقَّأَكَ الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتَ.

پیغمبر ﷺ: چون جعفر طیار را به حبشه فرستاد، او را بدرقه کرد و این کلمات را توشه سفر او قرار داد: «خداوند! در آسان کردن هر مشکلی به او عنایت داشته باش، که این کار بر تو آسان و تو بر هر کار و هر چیز توانایی - و از تو برای او راحتی و عافیت همیشگی و دنیا و آخرت می‌طلبم». پیغمبر ﷺ: مردی را وداع کرد و فرمود: «خداوند! بتو توشه تقوی (بدهد) و گناهانت بیامرزد و بهر جا روی ترا با خیر روبرو سازد».

۲- وَ لَمَّا شَيْعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شَيْعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ عَقِيلُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَدَّعُوا أَخَاكُمْ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلشَّائِخِصَّ أَنْ يَمْضَى وَ لِلْمَشِيعِ أَنْ يَرْجِعَ فَتَكَلَّمَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ عَلَى حَيَالِهِ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا امْتَنَهُوكَ بِالْبَلَاءِ لَأَنَّكَ مَنَعْتَهُمْ دِينَكَ فَمَنَعُوكَ دُنْيَاهُمْ فَمَا أُحْوجُّهُمْ غَدًا إِلَى مَا مَنَعْتَهُمْ وَ أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ فَمَا لِي شَجَنٌ فِي الدُّنْيَا غَيْرُكُمْ إِنِّي إِذَا ذَكَرْتُكُمْ ذَكَرْتُ بِكُمْ جَدَّكُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. چون امیر مؤمنان علی بن ابی طالب را بدرقه کرد امام حسن و امام حسین و عقیل و عبد الله جعفر و عمار یاسر نیز او را بدرقه کردند، حضرت فرمود: برادران را بدرقه کنید که رونده باید برود و بدرقه کن باید برگردد و نیز هر یک در خور خود با او سخنی گفت. حضرت حسین علی بن ابی طالب فرمود: «ای ابا ذر! خدا ترا رحمت کند این قوم ترا با بلا و مصیبت برنج و محنت مبتلی ساختند که تو دین خود را بآنها ندادی و آنها دنیای خود را از تو دریغ داشتند و آنها چقدر بآنچه تو ندادی نیازمندند و تو از آنچه آنها دریغ نمودند، بی‌نیازی». ابو ذر گفت: خدا شما اهل بیت را رحمت کند، که من در دنیا

محبوب و خواسته‌ای جز شما اهل بیت ندارم، که هر گاه بیاد شما افتم پیغمبر صلی الله علیه و آله جد بزرگوارتان را بخاطر آرم.

۳- وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا وَدَّعَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ زَوَّدَكُمْ اللَّهُ التَّقْوَى وَ وَجَّهَكُمْ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَ قَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَ سَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ دُنْيَاكُمْ وَ رَدَّكُمْ إِلَى سَالِمِينَ. وَ پیغمبر صلی الله علیه و آله چون مؤمنی را وداع میکرد، میفرمود: «خداوند بشما توشه تقوی دهد و شما را به همه خوبی‌ها متوجه سازد و حاجتان را برآرد و دین و دنیای شما را سالم بدارد و سلامت بسوی من باز گرداند.»

۴- وَ فِي خَيْرٍ آخَرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا وَدَّعَ مُسَافِرًا أَخَذَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَ أَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَ سَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَ وَ قَرَّبَ لَكَ الْبُعِيدَ وَ كَفَاكَ الْمُهْمَ وَ حَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسَكَ سِرٌّ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.<sup>۱</sup> وَ در خبر دیگر است که: پیغمبر صلی الله علیه و آله، چون می‌خواست مسافری را تودیع کند، دست او را می‌گرفت و می‌فرمود: خداوند همراهان خوبی نصیب تو کند و معونه ترا کامل سازد و ناملایمات را بر تو آسان گرداند و دور را بر تو نزدیک گرداند، مهمات ترا کفایت نماید و دین و امانت ترا نگهبانی کند و عمل ترا ختم بخیر نماید و ترا به همه نیکی‌ها متوجه سازد، بر تو باد به تقوا و ترس از خدا، ترا بخدا ودیعه میدهم، به برکت خدا حرکت نما.

۵- مَنْ أَرَادَ أَنْ يُودَّعَ رَجُلًا فَلْيَقُلْ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَ أَعْظَمَ لَكَ الْعَافِيَةَ وَ قَضَى لَكَ الْحَاجَةَ وَ زَوَّدَكَ التَّقْوَى وَ وَجَّهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتَ وَ رَدَّكَ اللَّهُ سَالِمًا غَانِمًا. وَ مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَجُلًا فَقَالَ لَهُ: سَلِّمْكَ اللَّهُ وَ غَنِّمْكَ.<sup>۲</sup> هر که خواهد با مردی وداع کند باید بگوید: «دین و امانت تو و عاقبت کار ترا بخدا ودیعه می‌سپرم، خداوند همراهان و رفیقان ترا برای تو نیک گرداند و عاقبت بزرگ بتو دهد و حاجت ترا بر آرد و تقوی را توشه تو گرداند و بهر جا ترا متوجه خیر گرداند و سالم و سودمند باز گرداند.» از امام ششم علیه السلام: پیغمبر صلی الله علیه و آله با

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۹.

۲. همان.

مردی وداع نمود و فرمود: «خدا ترا سالم بدارد و سود فراوان نصیب تو گرداند.»

### انتخاب زمان مناسب

انتخاب زمان و روز مناسب برای گردشگری امری ضروری و عقلانی است. هر گردشگری سعی می‌کند با توجه به نوع گردشگری خود و متناسب با آن، بهترین ساعت و روز ممکن را انتخاب کند. در برخی از گردشگری‌ها نه تنها روز بلکه فصل هم بسیار مهم است و ممکن است در برخی از فصل‌ها امکان سفر وجود نداشته باشد؛ به عنوان نمونه در گردشگری تجاری در بخش محصولات کشاورزی کسی که برای خرید یا فروش یک محصول کشاورزی به محلی دیگر می‌رود، باید با توجه به اطلاعاتی که از قبل دارد، فصل خاصی را متناسب با کاشت، داشت و برداشت محصول مورد نظر برای خرید یا فروش در نظر بگیرد و به محل مورد نظر برود.

### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومین علیهم السلام در انتخاب زمان مناسب سفر

در نگاه اول ممکن است نوعی تناقض و ضدیت در احادیث نسبت به هم مشاهده کنیم، اما اگر قدری تأمل کنیم و به انواع گردشگری بنگریم، متوجه می‌شویم که با توجه به نوع گردشگری زمان نیز برای شروع متفاوت است؛ مثلاً ممکن است یک روز برای سفر تجاری مناسب باشد اما برای تفریح و زیارت خوب نباشد یا یک روز بیرون رفتن برای جهاد خوب باشد اما برای گردش علمی خوب نباشد و چون در بسیاری از احادیث نوع سفر و شخص مسافر معین نشده است، ممانعت و عدم ممانعت امام علیه السلام نمی‌تواند یک حکم کلی داشته باشد به همین جهت روایات این بخش گاهی متناقض به نظر می‌رسد.

آنچه از احادیث و روایات و سیره‌ی معصومان علیهم السلام برداشت می‌شود این است که ممکن است سفر در برخی از روزها مثل قمر در عقرب را معصومان علیهم السلام مکروه می‌دانستند اما همان را نیز می‌فرمودند اگر خودت فکر می‌کنی چنین روزی برای مسافرت خوب است، صدقه بده و به سفر برو.

## مستندات

۱- عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ أَرَادَ السَّفَرَ فَلْيُسَافِرْ فِي يَوْمِ السَّبْتِ فَلَوْ أَنَّ حَجْرًا زَالَ عَنْ جَبَلٍ فِي يَوْمِ السَّبْتِ لَرَدَّهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مَكَانِهِ وَمَنْ تَعَذَّرَتْ عَلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَلْيَلْتَمَسْ طَلَبَهَا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَلَانَ اللَّهُ فِيهِ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ (عليه السلام).<sup>۱</sup> حضرت پیامبر ﷺ فرمودند: هر که خواهد سفر کند روز شنبه به مسافرت رود که اگر سنگی در این روز از جا کنده شود، خداوند بجایش باز گرداند و هر که کارها و نیازها بر او مشکل افتد و یا مانعی پیش آید، در روز سه شنبه به دنبال آنها رود که در این روز خداوند آنها را برای داود نرم کرد.

۲- وَ رَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيُّ عَنْهُ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ لِلْخُرُوجِ لِلسَّفَرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند: مانعی ندارد شب جمعه بسفر بیرون رفتن.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُسَافِرُ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ قَالَ (عليه السلام) يَوْمُ الْخَمِيسِ يَوْمٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ.<sup>۳</sup> از امام باقر علیه السلام، پیامبر اکرم ﷺ پنجشنبه مسافرت می کرد و امام باقر علیه السلام فرمود: پنجشنبه روزی است که خدا و پیغمبر ﷺ و ملائکه آن را دوست دارند.

۳- عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كَانَ أَحَبُّ الْأَيَّامِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَنْ يُسَافِرَ فِيهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. وَ كَانَ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا لَغَزْوٍ وَرَى بَغِيرِهِ.<sup>۴</sup> أَنَسٌ كَفَتْ: محبوب ترین روزها پیش پیغمبر ﷺ برای سفر روز جمعه بود و اگر روزی را برای سفر جنگ در نظر داشت به روز دیگری وانمود می کرد (که خبر به دشمن نرسد و مجهز و آماده گردد).

۴- وَ كَتَبَ بَعْضُ الْبَغْدَادِيِّينَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي (عليه السلام) يَسْأَلُهُ عَنْ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا تَدُورُ فَكَتَبَ (عليه السلام) مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا تَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرَةِ وَ قِيَّ مِنْ كُلِّ أَفَةٍ وَ عَوْفَى مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۴۱.

حَاجَّتَهُ.<sup>۱</sup> یکی از اهل بغداد به حضرت امام هادی علیه السلام نوشت و در باره سفر در چهارشنبه آخر ماه پرسش نمود؟ حضرت جواب نوشت: هر که برای چهارشنبه آخر ماه به خلاف مردمی که فال بد می‌زنند، به سفر بیرون رود از هر آفتی در امان باشد و از هر رنج و بلیه‌ای مصون بماند و خداوند حاجتش را بر آورد.

۵- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطْوَى بِاللَّيْلِ.<sup>۲</sup> پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به سفر در شب، که زمین در شب در می‌نوردد.

۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا تَخْرُجْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي حَاجَةٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَأَخْرِجْ فِي حَاجَتِكَ. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: روز جمعه برای حاجت بیرون مرو و شنبه بهنگام طلوع خورشید بطلب حاجت بیرون برو.

۷- وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: اتَّقِ الْخُرُوجَ إِلَى السَّفَرِ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ مِنَ الشَّهْرِ وَ الرَّابِعِ مِنَ الشَّهْرِ وَ الْحَادِي وَ الْعَشْرِينَ مِنْهُ وَ الْخَامِسِ وَ الْعَشْرِينَ مِنْهُ فَإِنَّهَا أَيَّامٌ مَنَحُوسَةٌ.<sup>۳</sup>

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: از مسافرت در روز سوم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم پرهیزید (که این روزها نحس است).

۸- وَ قَالَ (عليه السلام): لَا تُسَافِرُوا يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ لَا تَطْلُبُوا فِيهِ حَاجَةً.<sup>۴</sup>

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: در دوشنبه بسفر نروید و حاجت طلب نکنید.

۹- مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ: يَوْمُ السَّبْتِ يَوْمٌ مَكْرٌ وَ خَدِيعَةٌ وَ يَوْمُ الْأَحَدِ يَوْمٌ غَرَسٌ وَ بَنَاءٌ وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمٌ سَفَرٌ وَ طَلَبٌ وَ يَوْمُ الثَّلَاثَةِ يَوْمٌ حَرْبٌ وَ دَمٌ وَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ شَوْمٌ يَتَطَيَّرُ فِيهِ النَّاسُ وَ يَوْمُ الْخَمِيسِ يَوْمٌ الدُّخُولِ عَلَى الْأَمْرَاءِ وَ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ خُطْبَةٍ وَ نِكَاحٍ.<sup>۵</sup> امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: روز شنبه روز مکر و خدعه است (یعنی برای جنگ) و یکشنبه روز درختکاری و ساختمان کردن و دوشنبه

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۷.

۵. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام)، ج ۵، ص ۸۴.

روز سفر و طلب، سه‌شنبه روز جنگ چهارشنبه روز شوم که مردم در آن تطیر زنند، پنجشنبه روز داخل شدن بر امراء و قضاء حوائج و روز جمعه روز نکاح.

۱۰- عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ: أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ فَبَجَّئْنَا نُسَلِّمُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ كَأَنَّكُمْ طَلَبْتُمْ بَرَكَهَ الْإِثْنَيْنِ قُلْنَا نَعَمْ قَالَ فَأَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْمًا مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ فَقَدْنَا فِيهِ نَبِيَّنَا وَارْتَفَعَ الْوَحْيُ عَنَّا لَا تَخْرُجُوا يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَاخْرُجُوا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ<sup>۱</sup> از ابو ایوب خزاز: خواستیم به سفر رویم به خدمت امام صادق (عليه السلام) رفتیم، که سلامی عرض کنیم، فرمود: گویا می‌خواهید از برکت دوشنبه استفاده کنید؟ گفتیم:

آری. فرمود چه روزی شوم‌تر از دوشنبه که در این روز وحی از ما قطع شد (نبی اکرم وفات یافت)... دوشنبه بیرون نروید بلکه سه‌شنبه بیرون روید.

۱۱- وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ سَافَرَ أَوْ تَزَوَّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْعَقْرِ لَمْ يَرْحَلْ حُسْنًا<sup>۲</sup>. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر که در قمر در عقرب مسافرت یا ازدواج کند؛ نیکی نبیند.

۱۲- رَوَى عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنِّي قَدْ ابْتُلَيْتُ بِهَذَا الْعِلْمِ فَأَرِيدُ الْحَاجَةَ فَإِذَا نَظَرْتُ فِي الطَّالِعِ وَرَأَيْتُ الطَّالِعَ الشَّرَّ جَلَسْتُ وَكَمْ أَذْهَبُ فِيهَا وَإِذَا رَأَيْتُ طَالِعَ الْخَيْرِ ذَهَبْتُ فِي الْحَاجَةِ فَقَالَ لِي تَفْضِي قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَحْرَقْ كُتُبَكَ. وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَكْرَهُ أَنْ يُسَافَرَ الرَّجُلُ أَوْ يُزَوِّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْمُحَاقِ<sup>۳</sup>. عبدالملک بن اعین گوید، به امام ششم (علیه السلام) عرضه داشتم: من به این علم (نجوم) گرفتارم و چون کاری دارم طالع بلند می‌کنم و به آن می‌نگرم و اگر بد نشان دهد می‌نشینم و به دنبال کار خود نمی‌روم و اگر خیر نشان دهد می‌روم. امام فرمود: حاجتت در این صورت برمی‌آید؟ گفتم آری، فرمود: کتب خود بسوزان و

امیر مؤمنان بهنگامی که قمر در محاق بود مسافرت و تزویج را مکروه می‌داشت.

۱۳- عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: يُكْرَهُ السَّفَرُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَكْرُوهَةِ الْأَرْبَعَاءِ وَغَيْرِهِ وَ قَالَ أَفْتَحْ سَفْرَكَ بِالْصَّدَقَةِ وَ أَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا

۱. همان، ص ۸۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص ۶۲۷.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۷.

بَدَا لَكَ<sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سفر در روزهای مکروه کراهت دارد، روز چهارشنبه و دیگر ایام مکروه و فرمود اگر ناچاری و برایت پیش آمد سفر را با صدقه شروع کن و آیه الکرسی بخوان.

### دعا و قرآن در ابتدای گردشگری

قرآن سخن پروردگار است با انسان‌ها و دعا سخن انسان‌ها است با پروردگار. همان‌طوری که انسان در آغاز سفرش با عزیزانش صحبت می‌کند و آن‌ها نیز شخص مسافر را بدرقه می‌کند، انسان نیاز دارد با خدای خود صحبت کند و سخنانش را بشنود. شاید به خاطر همین است که معصومان (علیهم السلام) تأکید به قرآن خواندن و دعا کردن در ابتدای گردشگری دارند.

### برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) درباره‌ی قرآن و دعا در ابتدای گردشگری

۱. خواندن برخی از سوره‌ها مثل سوره‌ی قدر و حمد در ابتدای گردشگری تأکید شده است.
۲. برای آرامش و اطمینان قلبی در ابتدای گردشگری با خدا نجوا کنید.
۳. خود و مال خود و سلامت خود را در سفر و برگشت موفقیت‌آمیز از سفر را از خدا بخواهید.
۴. از اشرار و شیطان به خداوند پناه ببرید.
۵. خانواده و آنچه را که در جای می‌گذارید و به سفر می‌روید به خدا بسپارید.
۶. از یاد خدا غافل نشوید و قبل از سفر دو رکعت نماز بخوانید.

### مستندات

۱- عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قَصَرِهِ قِيلَ لَا قَالَ إِذَا أَلْهَمَ أَحَدُكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ. وَ قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ لَيُنْجِزُ الْحَوَائِجَ فِي الْبَلَاءِ. وَ

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۲.

قَالَ (عليه السلام): أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ (عليه السلام) اذْكُرْنِي فِي سِرِّكَ أَسْتَجِبْ لَكَ فِي ضَرِّكَ. وَ قَالَ (عليه السلام): مَنْ تَخَوَّفَ بَلَاءً يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالْدُّعَاءِ لَمْ يَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءُ أَبَدًا.<sup>۱</sup>

هشام بن سالم گوید حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا میدانید که به چه سبب گاهی بلا طولانی می شود و گاهی مدت آن کوتاه است؟ گفتند نه، فرمود اگر هنگام بلا به یاد دعا بیفتید و ملهم شوید که دعا کنید بدانید که مدت بلا کوتاه است و فرمود: دعا کردن در وقت راحت سبب بر آمدن حاجت بوقت گرفتاری است و فرمود: خداوند متعال به داود وحی کرد که در وقت راحت مرا بخوان تا در موقع سختی دعای ترا مستجاب کنم و فرمود: هر که از بلایی بترسد و قبل از آمدن آن دعا کند، خداوند هرگز آن بلا را به او ننماید.

۲- وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: لَوْ حَجَّ رَجُلٌ مَاشِيًا فَقَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ مَا وَجَدَ أَلَمَ الْمَشْيِ.<sup>۲</sup> حضرت زین العابدین علیه السلام فرمودند: اگر کسی سوره «انا انزلناه» بخواند و پیاده حج برود رنج پیاده روی را احساس نکند.

۳- وَ قَالَ (عليه السلام): مَا يَقْرَأُ أَحَدٌ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يَرْكَبُ دَابَّتَهُ إِلَّا نَزَلَ مِنْهَا سَالِمًا مَغْفُورًا لَهُ وَ لَقَارُئُهَا أَثْقَلُ عَلَى الدَّوَابِّ مِنَ الْحَدِيدِ وَ إِنَّ الْبَعِيرَ إِذَا حُجَّ عَلَيْهِ سَبْعَ حَجَّاتٍ صِيرَ مِنْ نَعَمِ الْجَنَّةِ.<sup>۳</sup> و فرمود: هیچ کس به هنگام سوار شدن مرکب «انا انزلناه» نخواند مگر آنکه سالم و آمرزیده باز گردد و پیاده شود و خواننده آن از آهن محکم تر بر چهارپا باشد و شتری که هفت سفر با او به حج روند از حیوانات بهشت شود.

۴- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَقُلْتُ إِنْ قَارِئُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يَسَافِرُ أَوْ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ سَيَرْجِعُ إِلَيْهِ سَالِمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.<sup>۴</sup> امام باقر علیه السلام فرمود: اگر چیزی بتواند بر قدر الهی پیشی گیرد، می گفتم: خواننده «انا انزلناه» بهنگام سفر یا خروج از منزل سالم به خانه باز آید ان شاء الله تعالی.

۱. همان.

۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۱۱؛ ص ۳۹۷.

۳. همان.

۴. همان.

۵- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا اسْتَخْلَفَ رَجُلٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافِهِ أَفْضَلَ مِنْ رَكَعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى سَفَرِهِ وَ يَقُولُ عِنْدَ التَّوَدُّعِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَجِيرَانِي وَأَهْلَ خَزَانَتِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كَنَفِكَ وَ مَنَعِكَ وَعِيَاذِكَ وَعِزِّكَ عِزَّ جَارِكَ وَجَلِّ تَنَاوُكَ وَامْتَنِعْ عَائِدُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.

۵- وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذَا أَرَادَ سَفَرًا جَمَعَ عِيَالَهُ فِي بَيْتٍ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ إِلَى آخِرِهِ.<sup>۱</sup>

پیغمبر ﷺ فرمودند: هر که خواهد به سفر رود جانشین و نگهبانی برای خانواده‌اش بهتر از این نیست که دو رکعت نماز بگذارد و بوقت خداحافظی و تودیع بگوید: «خداوندا، دین و جان، مال و خانواده و فرزندان و همسایگان و غم‌خوران خودم را از حاضر و غایب و هم‌چنین تمام نعمت‌هایی را که به من داده‌ای به تو می‌سپارم خداوندا این همه را در کنف و حفظ و پناه و عز خود نگهدار که هر که در پناه تو باشد عزیز می‌باشد که مقام تو بس جلیل و بلند است و جز تو خدایی وجود ندارد، بر آن زنده‌ای که مرگ در او راه ندارد، توکل می‌کنم و سپاس خدایی را است که فرزند نمی‌گیرد و در سلطنت خود شریک ندارد و ولی و سرپرستی نمی‌خواهد و او را تکبیر گوی. خدا بزرگ است و خدا را بسیار می‌ستایم و او را هر صبح و شب تسبیح می‌گوییم.»

و امام باقر (ع) وقتی قصد سفر داشت، اهل و عیال خود را در خانه‌ای جمع می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند این‌ها را به تو می‌سپارم... تا آخر دعای مذکور».

۶- عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا قَامَ عَلَى بَابِ دَارِهِ تَلَقَّاءَ الْوَجْهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۵.

عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ لِحَفَظَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَحَفَظْ مَا مَعَهُ وَسَلِّمْهُ اللَّهُ وَسَلِّمْ مَا مَعَهُ وَبَلِّغْهُ اللَّهُ وَبَلِّغْ مَا مَعَهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا صَبَاحُ أَمَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحَفَظُ وَلَا يُحَفَظُ مَا مَعَهُ وَيَسْلَمُ وَلَا يَسْلَمُ مَا مَعَهُ وَيَبْلُغُ وَلَا يَبْلُغُ مَا مَعَهُ قُلْتُ بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ.<sup>۱</sup> حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: اگر مردی عازم سفر است بر در خانه اش رو به مسیری که می رود بایستد و سوره «حمد» و آیه الكرسي را به جلو و چپ و راست بخواند و بعد بگوید: «خداوندا مرا و آنچه با من است نگهداری کن و مرا و آنچه با من است سالم نگهدار و مرا و آنچه با من است سالم بازگردان» خداوند خودش را با آنچه همراه دارد سالم و محفوظ بدارد و سالم بازگرداند، بعد فرمود: ندیده ای گاهی انسان محفوظ می ماند ولی آنچه همراه او است سالم نمی ماند؟ گفتم چرا جانم فدایت.

۷- وَكَانَ الصَّادِقُ (عليه السلام) إِذَا أَرَادَ سَفَرًا قَالَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَاعْظُمْ عَاقِبَتَنَا.<sup>۲</sup> حضرت صادق (علیه السلام) وقت سفر میخواندند: «راه را بر ما آسان و نیکو گردان و عاقبت ما را بزرگ بدار».

۸- عَنْ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَتَلَقَّاهُ الشَّيَاطِينُ فَتَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ وُجُوهَهَا وَتَقُولُ مَا سَبَّلَكُمُ عَلَيْهِ وَقَدْ سَمِيَ اللَّهُ وَآمَنَ بِهِ وَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.<sup>۳</sup> امام هشتم (علیه السلام) فرمودند: بهنگام خروج از خانه در سفر یا حضر بگو «بنام خدا، به خدا ایمان آوردم و بر او توکل می کنم آنچه بخواهد همان است و بدون یاری خدا هیچ کس نیرویی ندارد» اگر شیطان ها چون این دعا را بخوانی پیش تو آیند فرشتگان به آنان سیلی زنند و گویند دیگر به این شخص تسلطی نخواهید داشت، از آن رو که نام خدا را برده و به او ایمان آورده و توکل نموده.

۹- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ خَرَجَ مِنْ دَارِهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا

۱. همان.

۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۸۶.

۳. علی بن موسی این طاووس، الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۵.

عَاذَتْ مِنْهُ مَلَائِكَةُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لَأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَّاحِ وَالْهُوَامِ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أَجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَتَابَ عَلَيْهِ وَكَفَاهُ الْمُهَمَّ وَحَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام فرمودند: هر که وقت بیرون رفتن از خانه بگوید: «به خدا پناه می‌برم از آنچه فرشتگان پناه می‌برند و از شر امروز و از شر شیاطین و از شر جن و انس و درندگان و گزندگان و از شر ارتکاب گناهان، خودم را از شر هر چیز به خدا می‌سپارم» خداوند او را بیمارزد و مهماتش را کفایت کند و از شر و بدی نگهش دارد.

۱۰- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُرِدْ سَفَرًا إِلَّا قَالَ حِينَ يَنْهَضُ مِنْ مَجْلِسِهِ أَوْ مِنْ جُلُوسِهِ اللَّهُمَّ بَكَ انْتَشَرْتُ وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبَكَ اعْتَصَمْتُ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا أَهْتَمُّ لَهُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَاعْفِرْ لِي وَوَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتُ ثُمَّ يَخْرُجُ.

انس می‌گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله قصد هیچ سفری نمی‌کرد مگر آنکه وقت حرکت می‌فرمود: «خداوندا به یاری تو می‌روم و به تو رو می‌آورم، از تو کمک و محافظت می‌جویم که تو پناهگاه و امید منی، خداوندا آنچه را در نظر دارم و ندارم و آنچه را که تو از من بهتر میدانی کفایت کن، خداوندا توشه تقوی به من ده و بهر جا که رو می‌کنم مرا به خیر پیش ببر» بعد خارج می‌شد.

۱۱- وَكَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرِهِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنَ بِاللَّهِ اسْتَفْتَحْ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحْ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّوَجَّهْ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حَزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَأَصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَحْذَرُ فَيَا عَافِيَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۳</sup> حضرت صادق علیه السلام به هنگام سفر می‌فرمودند: «خداوندا مرا و آنچه با من است محفوظ بدار و به مقصد برسان، به یاری خدا شروع

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶.

۲. همان.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۰.

می‌کنم و از او رستگاری می‌طلبم و به شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله) به تو توجه می‌کنم. خداوند! هر مشکلی را بر من آسان کن و هر سرکشی را مطیع و رام من گردان و همه خیرات را بیش از آنچه امید دارم به من عطا کن و شرور و آنچه را که از آن می‌ترسم از من بگردان ای بهترین رحم کنندگان».

۱۲- وَ كَانَ يَقُولُ أَيْضًا: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَ جَلَّ وَ بِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي سَفَرِنَا أَمْنًا وَ إِيْمَانًا وَ سَلَامَةً وَ إِسْلَامًا وَ فَفْهًا وَ تَوْفِيقًا وَ بَرَكَهً وَ هُدًى وَ شُكْرًا وَ عَافِيَةً وَ مَغْفِرَةً وَ عَزْمًا لَا يُغَادِرُ ذَنْبًا.<sup>۱</sup> حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «از خدایی که به دست اوست هر کوبنده و حرکت‌کننده‌ای و به دست اوست روزی فرشتگان و همه مردمان مسألت می‌نمایم، که در این سفر بما امنیت و سلامت و ایمان و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت ببخشاید و مغفرت و اراده عنایت فرماید و هیچ گناهی برای ما بقای نگذارد».

۱۳- وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ دَخَلَتْ وَ بَاسْمِ اللَّهِ خَرَجَتْ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ قَالَ ثُمَّ يَقُولُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَتَمِّمْ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ وَ أَجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ ثُمَّ اقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ اقْرَأْ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ بَيْنَ يَدَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ مِنْ فَوْقَكَ مَرَّةً وَ مِنْ تَحْتِكَ مَرَّةً وَ مِنْ خَلْفِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ عَنْ يَمِينِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ عَنْ شِمَالِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.<sup>۲</sup> حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: هر که بهنگام خروج از خانه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ» بنام خدا داخل و خارج می‌شوم و به خدا توکل می‌کنم و هیچ قوتی جز

۱. همان.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۷.

به یاری خدای عظیم وجود ندارد و درود بر محمد و آل او، خداوندا این سفر مرا به خیر افتتاح کن، خداوندا من از شر خودم و دیگران و از شر هر جنبنده‌ای که سرنوشتش به دست توست به تو پناهنده می‌شوم، که خدایم بر راه راست است.» چنین کسی در ضمانت خداست تا برگردد، بعد بگوید: «به خدا توکل می‌کنم که جز خواست خدا نباشد و جز به کمک او نیرویی وجود ندارد، خداوندا برای آنچه بیرون می‌روم از تو خیر می‌جویم و از شر به تو پناه می‌برم، خداوند به فضل خودت به من توسعه ده و نعمت را بر من کامل کن، رغبت مرا به آنچه نزد توست متوجه گردان و مرا در راه خود و بر دین و ملت پیغمبر خود بمیران» بعداً آیه الكرسی و (معوذتین) و (سوره اخلاص) را بخوان سه مرتبه به طرف جلو و سه مرتبه به طرف بالا و سه بار به طرف پایین و سه بار به طرف پشت سر و سه بار به راست و سه بار به چپ و به خدا توکل کن.

۱۴- عُوذَةُ كَانَ يَتَعَوَّذُ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَافَرَ قَبْلَ اللَّيْلِ يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبِّكَ اللَّهُ وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَسُوءَ مَا خُلِقَ فِيكَ وَسُوءَ مَا يَدْبُ عَلَيْكَ وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسُودَ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَيْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَلْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَخَيْرَ هَذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَأَهْلَهُ وَخَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَأَهْلِهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخَذْتَ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.<sup>۱</sup> پیغمبر ﷺ وقتی قبل از شب به سفر می‌رفت می‌فرمودند: «ای زمین پروردگار من و تو خداست و به خدا از شر تو و آنچه در توست و بدی‌هایی که در تو خلق شده و بدی آنچه بر تو جنبش دارد به خدا پناه می‌برم و از شر شیر درنده و مار و عقرب گزنده، از شر ساکنان شهر و از شر زاینده‌گان و آنچه زاینده، به خدا پناه می‌گیرم. خداوندا پروردگار آسمان‌های هفتگانه و بر آنچه سایه افکنند و پروردگار زمین‌های پنج‌گانه و آنچه را در برگیرند و پروردگار باده‌ها

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۱.

و آنچه بر آن می‌وزند و خداوند شیاطین و آن‌ها را که گمراه سازند از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی؛ و هم از تو مسألت دارم که خیر امشب و امروز و این ماه و این سال و این شهر و اهل آن و این قریه و ساکنان آن را نصیب من فرمایی و به تو پناه می‌برم از شرهای آن و شر آنچه در آن است و از شر هر جنبنده‌ای که سرنوشت او به دست توست که خداوند من بر راه مستقیم است».

۱۵- عَنْ الصَّادِقِ (عليه السلام): أَنَّهُ كَانَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ يَقُولُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَيَسْبِيحُ اللَّهُ سَبْعًا وَيُحَمِّدُ اللَّهُ سَبْعًا وَيَهْلِلُ اللَّهُ سَبْعًا.<sup>۱</sup> از امام ششم (علیه‌السلام): چون پا در رکاب می‌نهاد می‌فرمود: «منزه است خداوندی که این مرکب را مسخر ما کرد و گر نه ما قدرت بر تسخیر او نداشتیم» و خداوند را هفت بار تسبیح و حمد و تهلیل ((لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)) می‌گفت.

#### تهیه وسایل موردنیاز سفر و محافظت از آن

اگر شخصی بدون آمادگی قبلی و بدون تهیه‌ی وسایل موردنیاز به مسافرت برود، در طول مسافرت دچار مشکل و ضرر و زیان خواهد شد؛ هرچند آن سفر مهم باشد و فوری اتفاق افتاده باشد. ممکن است برخی گمان کنند در بعضی از گردشگری‌ها مثل گردشگری مذهبی مثل زیارت حج و یا زیارت عتبات عالیات نیاز به تهیه‌ی لوازم لازم و کافی نیست و خداوند خودش روزی‌رسان است و یا حتی شاید در حفظ و نگهداری وسایلشان در گردشگری مذهبی سستی ورزند و به ثواب بیشتر توجه داشته باشند، سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) چنین تفکراتی را نمی‌پذیرد و در این مورد نیز باید از سیره‌ی معصومین ع الگوبرداری نمود.

#### ۲۹ برداشت‌هایی از سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) در مورد تهیه‌ی وسایل موردنیاز در سفر

بهترین وسایل و بهترین مواد غذایی موردنیاز را باید برای مسافرت تهیه کنیم. یک وسیله‌ی دفاعی و به‌نوعی سلاح سرد با خود همراه داشته باشیم مثل عصا و...

بهتر است عصایی که تهیه می‌کنیم از چوب بادام تلخ باشد.

۱. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۲.

سعی کنیم وسایل شخصی مثل مسواک، شانه و... را با خود همراه داشته باشیم.

#### مستندات

۱- عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) تَكُونُ مَعِيَ الدَّرَاهِمُ فِيهَا تَمَائِيلٌ وَأَنَا مُحْرَمٌ أَفَأَجْعَلُهَا فِي هِمْيَانِي وَأَشُدُّهُ فِي وَسْطِي قَالَ لَا بَأْسَ هِيَ نَفَقَتُكَ وَ عَلَيْهَا اعْتِمَادُكَ بَعْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَنْهُ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سُفْرَةً وَ تَنَوَّقُوا فِيهَا.<sup>۱</sup> از یعقوب بن سالم: به امام ششم گفتم، درهم - هایی دارم که بر آن عکس و تمثال است و من محرم هستم، می توان آن ها را در حال احرام در میانم نهم و به کمر ببندم، فرمود: مانعی ندارد، این نفقه تو و بعد از خدا عز و جل، تکیه گاه توست و از آن حضرت علیه السلام: چون به سفر می روید، سفره و غذا بردارید و وسایل خوب انتخاب کنید.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ شَرَفَ الرَّجُلُ أَنْ يُطَيَّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ.<sup>۲</sup> پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از بزرگواری این است که انسان چون به سفر می رود توشه اش خوب و حلال باشد.

۳- كَانَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا سَافَرَ إِلَى مَكَّةَ لِلْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللُّوزِ وَ السُّكَّرِ وَ السَّوِيقِ الْمُحَمَّصِ وَ الْمُحَلَّى.<sup>۳</sup> حضرت زین العابدین چون به حج و عمره می رفت، بهترین توشه ها را از بادام و قند و سویق و حلوا با خود برمی داشت.

۴- مِنْ كِتَابِ الْفَرْدَوْسِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَعْجِزُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَّخِذَ فِي يَدِهِ عَصَاً فِي أَسْفَلِهَا عِكَازَةً يَدْعُمُ عَلَيْهَا إِذَا أَعْيَا وَ يَجْرُ بِهَا الْمَاءَ وَ يَمِيطُ بِهَا الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَ يَقْتُلُ بِهَا الْهُوَامَ وَ يَقَاتِلُ بِهَا السَّبَاعَ وَ يَتَّخِذُهَا قِبْلَةً بِأَرْضِ فَلَاةٍ.<sup>۴</sup> انس می گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مگر عاجزید که عصبی به دست گیرید

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۴.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. همان

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴۴.

که ته آن آهنی باشد، که چون خسته شوید بر آن تکیه کنید و به کمک آن از آب بگذرید و موذی‌ها را از سر راه برانید و گزندگان را بکشید و با درنده بجنگ و دفاع پردازید و در بیابان بی‌نشان قبله قرار دهید (شاید مراد آن است که شاخص قرار داده شود که وقت به آن شناخته گردد).

۵- عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَشْيُ بِالْعَصَا مِنَ التَّوَاضُّعِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفٌ حَسَنَةً وَ يُرْفَعُ لَهُ أَلْفٌ دَرَجَةً.<sup>۱</sup> ام سلمه گوید، پیغمبر ﷺ فرمودند: با عصا راه رفتن تواضع است و برای هر قدمی که با عصا راه رود هزار حسنه است و هزار درجه مقامش بالا رود.

۶- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَنْ خَرَجَ فِي سَفَرٍ وَمَعَهُ عَصَا لَوْزٍ مَرٌّ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ كَمَا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدِينٍ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ إِلَى قَوْلِهِ وَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ أَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ سَبْعٍ ضَارٍّ وَ مِنْ كُلِّ لَصٍّ عَادٍ وَ مِنْ كُلِّ ذَاتِ حُمَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَنْزِلِهِ وَ كَانَ مَعَهُ سَبْعَةٌ وَ سَبْعُونَ مِنَ الْمُعَقَّبَاتِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ يَضَعَهَا.<sup>۲</sup> از امیر مؤمنان (علیه السلام): هر که به سفری بیرون رود و عصایی با او باشد از بادام تلخ و این آیه را بخواند «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدِينٍ...» تا الی ما نقول وکیل» (سوره قصص آیه ۲۱) خداوند او را از هر درنده موذی و دزد متجاوز و از هر جانور زهرآگین تا وقت بازگشت به خانه‌اش ننگه دارد.

۷- وَ قَالَ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَمَلُ الْعَصَا يَنْفِي الْفَقْرَ وَ لَا يُجَاوِرُهُ الشَّيْطَانُ.<sup>۳</sup> رسول خدا ﷺ فرمودند: عصا برداشتن فقر را می‌برد و شیطان نزدیک نمی‌شود.

۸- وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ فَلْيَتَّخِذْ عَصَاً مِنْ النُّقْدِ وَ النُّقْدَ عَصَا لَوْزٍ مَرٌّ.<sup>۴</sup> پیغمبر ﷺ فرمودند: هر که دوست دارد زمین زیر پایش نرم (و پیاده روی برای او آسان باشد) عصایی از چوب بادام تلخ بردارد.

۹- وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَصَّوْا فَإِنَّهَا مِنْ سُنَنِ إِبْرَاهِيمَ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ

۱. همان.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. همان.

۴. همان.

السَّلَامُ وَكَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ الصَّغَارُ وَالْكِبَارُ يَمْشُونَ عَلَى الْعَصَا حَتَّى لَا يَخْتَالُوا فِي مَشْيِهِمْ.<sup>۱</sup> پیغمبر ﷺ فرمودند: عصا بردارید که از سنت برادرانم پیامبران می باشد و بنی اسرائیل از خرد و بزرگ با عصا راه می رفتند، که در راه رفتن سر نخورند.

۱۰- كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَافَرَ يَصْحَبُ مَعَ نَفْسِهِ الْمُشِطَّ وَالسَّوَاكَ وَالْمُكْحَلَةَ.<sup>۲</sup> پیغمبر ﷺ در سفر شانه و مسواک و سرمه دان را با خود بر می داشت.

### نتیجه گیری

نتایج بررسی سیره معصومین علیهم السلام در مورد آنچه قبل از حرکت کردن یک گردشگر لازم است و سفارش های پیشوایان دینی در این زمینه را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

وصیت کردن و اهمیت دادن به آن قبل از گردشگری، تأکید فراوانی در سیره - ی معصومان علیهم السلام شده است. تا حدی که اگر کسی بدون وصیت بمیرد، گویا به مرگ جاهلی مرده است. همچنین انتخاب هم سفر، صدقه دادن، وداع با نزدیکان، انتخاب روز مناسب برای آغاز گردشگری و خواندن قرآن و دعا برای آرامش و سلامتی در ابتدای گردشگری، از جمله مواردی هستند که در سیره ی معصومان علیهم السلام دیده می شود که در زمان ما هم قابل الگوبرداری و اجرا می باشد.

۱. همان.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۲.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیینہ وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ: اول تهران ۱۳۷۷ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، چاپ: اول، تهران ۱۳۶۷ ش.
۴. —، من لا یحضره الفقیه، چاپ: دوم، قم ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چاپ: اول، قم ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان چاپ: اول، قم ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن منظور، لسان العرب، دار صادر، چاپ: سوم، بیروت ۱۴۱۴ ق.
۸. احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقاییس اللغة، مکتب الاسلام الاسلامی، قم ۱۴۰۴ ق.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن چاپ: دوم، قم ۱۳۷۱ ق.
۱۰. پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، گردشگری، ماهیت و مفاهیم، سمت، تهران ۱۳۸۵.
۱۱. حیدری، رحیم، مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۷.
۱۲. راغب اصفهانی، معجم المفردات فی غریب القرآن، دار العلم الدار الشامیه، چاپ: اول، دمشق ۱۴۱۲.

۱۳. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، چاپ: اول، مشهد ۱۴۱۴ ق.
۱۵. —، وسائل الشیعة، چاپ: اول، قم ۱۴۰۹ ق.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۷. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ: دوم، نجف، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش.
۱۸. قائمی خرق، سید محسن، آقائی نژاد، سمیه، مبانی فقهی حقوقی گردشگری، انتشارات خرسندی، تهران ۱۳۹۶.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ: دوم، بیروت ۱۴۰۳ ق.
۲۰. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ: دوم، تهران ۱۴۰۴ ق.